



A Critical Analysis of the Scientific Foundations in Positive Orientalists' Thought *

Seyyed Esa Mostarhami¹

Abstract



Scientific interpretation of Quran is one of the interpretive methods that has gained attention from Quranic researchers in the contemporary era. Analyzing and examining the foundations of this interpretive approach is necessary because many criticisms of the scientific interpretation method are based on judgments about the beliefs and practices of believers in scientific interpretation. Acceptance or rejection of these foundations will determine the interpreter's enthusiasm or aversion to this interpretive method. Orientalist thinkers are among those who have engaged in evaluating the foundations of scientific interpretation. Some have criticized and denied these foundations, while others have deemed them valid and accepted scientific interpretation of the Quran. Studying and analyzing the perspectives of Orientalist scholars indicates that the second group, referred to in this article as positive Orientalists, believe in the conformity of Quranic teachings with actual benefits and harms and the possibility of empirically testing some scientific knowledge in the Quran, thereby negating any conflict between the Quran and science. They consider the utilization of scientific knowledge in the Quran as an undeniable necessity and present scientific findings as a means to better understand the Holy Quran. This group attributes the past Islamic scientific and cultural civilization to Quranic teachings and emphasizes the Quran's responsiveness to the needs of contemporary and future humans. Another key foundation of scientific interpretation for this group is the consideration of the scientific miracles of the Quran, which has been remarkable for some Orientalists and has led to their insight.

Keywords: Interpretive Foundations, Scientific Interpretation, Quranic Studies and Sciences, Relationship between the Quran and Science, Positive Orientalists

*. **Date of receiving:** 04 January 2023 ; **Date of correction:** 25 February 2023; **Date of approval:** 10 May 2023.

1. Faculty Member of Quran and Science Department, Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom: Iran; (dr.mostarhami@chmail.ir).



تحلیل مبانی تفسیر علمی در اندیشه خاورشناسان مثبت‌نگر*

سیدعیسی مسترحمی^۱



چکیده

تفسیر علمی از جمله روش‌های تفسیری است که در دوران معاصر مورد توجه پژوهشگران قرآنی قرار گرفته است. تحلیل و بررسی مبانی این روش تفسیری از آنجا بایسته است که بسیاری از داوری‌ها درباره روش تفسیر علمی، بر اساس قضاوت درباره مبانی مورد اعتقاد و عمل باورمندان به تفسیر علمی صورت می‌گیرد. پذیرش یا عدم پذیرش این مبانی مفسر را عامل اشتیاق یا رویگردانی از این شیوه تفسیری خواهد گشت. اندیشه‌ورزان خاورشناس از جمله افرادی هستند که به داوری مبانی تفسیر علمی پرداخته‌اند. دسته‌ای به خطای این مبانی رأی داده و به نقض و انکار آن پرداخته‌اند. دسته‌ای دیگر به صحت آن مبانی و پذیرش تفسیر علمی قرآن حکم کرده. مطالعه و تحلیل دیدگاه‌های مستشرقان نشان می‌دهد دسته دوم که در این مقاله با عنوان خاورشناسان مثبت‌نگر نامبردار شده‌اند، با پذیرش ابتدای احکام قرآنی بر مصالح و مفاسد واقعی و امکان آزمون تجربی برخی از معارف علمی قرآن، به نفی هرگونه تعارض قرآن و علم، معتقدند. آنان بهره‌گیری از معارف علمی قرآن را ضرورتی غیرقابل تردید تلقی کرده و در این راستا، یافته‌ها در دانش بشری را قرینه‌ای برای فهم بهتر قرآن کریم معرفی می‌کنند. این گروه، تمدن علمی و فرهنگی اسلامی گذشته را مدیون معارف قرآنی دانسته و بر پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر و آینده تأکید می‌ورزند. توجه به اعجاز علمی قرآن به مثابه یکی دیگر از مبانی تفسیر علمی، انسان برای این گروه از مستشرقان چشمگیر بوده که باعث استبصار برخی از آنان گردیده است.

واژگان کلیدی: مبانی تفسیری، تفسیر علمی، مطالعات قرآن و علوم، رابطه قرآن و علم، خاورشناسان مثبت‌نگر.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰.

۱. عضو هیئت علمی گروه قرآن و علم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم: ایران
dr.mostarhami@chmail.ir



مقدمه

مفسران قرآن در تفسیرشان روش واحدی نداشته‌اند. مبنای آنان درباره منابع تفسیر و چگونگی استفاده از آن منابع متفاوت بوده است. برخی صرفاً به ذکر روایات تفسیری بسنده کرده و گروهی علاوه بر این با تمسک به اقوال صحابه و شواهد شعری به تبیین آیه پرداخته‌اند. برخی نیز در تفسیر آیه بیشترین کمک را از آیات دیگر گرفته‌اند و برخی هم ضمن بیان معنای آیات در موارد مناسب مسائل کلامی، فقهی و یا علمی را مطرح کرده و درباره دلالت یا عدم دلالت آیه بر آن بحث نموده‌اند. دسته‌ای نیز از عقل یا شهود در تفسیر آیات قرآن کریم بهره برده‌اند.

از جمله روش‌های تفسیری، روش تفسیر علمی است که اگرچه سابقه‌ای طولانی دارد؛ ولی در دهه‌های اخیر، مورد توجه ویژه مفسران قرار گرفته است. تفسیر علمی همچون دیگر روش‌ها، پی‌ریزی شده بر مبانی‌ای است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این مسئله است که خاورشناسانی که نگرشی مثبت به تفسیر علمی دارند، چه دیدگاهی درباره مبانی این روش تفسیری داشته‌اند.

دانش درجه دوی تفسیر یعنی مبانی، قواعد، معیارها و روشهای تفسیری همواره مورد گفتگو بین دانشمندان علوم قرآنی بوده است و مکتوبات متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است. به‌طور خاص نیز برخی معاصران همچون علامه معرفت در «التمهید»، رضایی اصفهانی در «منطق تفسیر قرآن ۵» و ذغلول نجار در کتاب «قضیه الاعجاز العلمی للقرآن الکریم و ضوابط التعامل معها» به تبیین برخی مبانی تفسیر علمی اقدام کرده‌اند. شادی نفیسی نیز در مقاله‌ای با عنوان «مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم» در این باره قلم زده است. از سوی دیگر، برخی محققان مسلمان در ضمن مطالعه و نقد برخی از آثار و دیدگاه‌های مستشرقان، بخشی از مبانی تفسیر علمی را به بررسی نشسته‌اند. «بررسی مستشرقان و تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه» از حسن رضا رضایی، «نقد دیدگاه‌های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علوم طبیعی» اثر مشترک مسترحمی و فراهی بخشایش و نیز مقاله «نقد شبهه راهیافت خطای علمی در قرآن با تکیه به پدیده شهاب‌سنگ‌ها»، نگاه‌سته علی نصیری، نمونه‌هایی از این پژوهش‌هاست. غالب این مطالعات با رویکردی انتقادی و ناظر بر دیدگاه‌های مستشرقان منفی‌نگر صورت گرفته است.

بر پایه آنچه گفته آمد، پژوهشی که به بررسی دیدگاه‌های مستشرقان مثبت‌نگر در حوزه مبانی تفسیر علمی بپردازد، بایسته است.



مفهوم شناسی

الف. خاورشناسان

«خاور» در لغت به معنای شرق است و به کسانی که به مطالعه درباره این منطقه از جهان می پردازند، خاورشناس یا مستشرق گفته می شود. برابر انگلیسی خاورشناسی یا استشرق، واژه «Orientalism» است که از سه بخش «Orient» به معنای خاور، پسوند «al» برای ربط، و نیز پسوند «ism» به معنای مکتب تشکیل شده است (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ ش: ۸۵۳). این واژه در آغاز درباره دانشجویان اهل مشرق زمین به کار می رفت و سپس در سال ۱۸۱۲ م. در فرهنگ آکسفورد به معنای شرق شناسی به کار رفته است (حمدی زقزوق، الاستشرق والخلفیه الفکریه، ۱۴۰۹ ق: ۲۰؛ مونتگمری وات، برخورد آراء مسلمان و مسیحیان، ۱۳۷۳ ش: ۱۸۱؛ اسکندرلو، مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۳۶)؛ و در سال ۱۸۳۸ میلادی در فرهنگ آکادمی فرانسه وارد شده است (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، ۱۹۹۲ م: ۲۳/۱).

با اینکه مسئله استشرق به عنوان پدیده ای سیاسی، علمی و تبشیری، با تاریخی نه چندان کوتاه، مطرح است، و کوشش های فراوانی برای ارائه تعریفی روشنی از آن صورت گرفته است (ر.ک: علی الصغیر، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، ۱۴۲۰ ق: ۱۱-۱۳؛ فؤاد، من افتراءات المستشرقین علی الأصول العقديه فی الإسلام عرض ونقد، ۱۴۲۲ ق: ۱۷؛ وزان، الاستشرق والمستشرقون وجهه نظر، ۱۴۰۴ ق: ۱۵)؛ ولی به سختی می توان تعریف جامع و مانعی که بتواند تمام ابعاد و ساحت ها و اهداف آن را پوشش بدهد، ارائه داد و این به دلیل گستره وسیع جغرافیایی استشرق و تنوع روش ها و اهداف آن است.

اسلام شناسی توسط غیرمسلمانان (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ ش: ۵۰) [که تنها بخشی از استشرق را شامل می شود] تعریف کوتاه و جامعی است که در این مقاله از استشرق اراده شده است.

ب: تفسیر علمی

تفسیر واژه ای عربی و مصدر باب تفعیل از ماده «فسر» است. بیان و توضیح دادن (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۲۰ ق: ۳۵۵/۲) جداکردن (فیروزآبادی، القاموس المحیط، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۶/۲) آشکار ساختن امر پوشیده (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۲۶۱/۱۰؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۶/۲)، از جمله کاربردهای این واژه است.



مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکارکردن مراد جدی آن، بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۱، ۱۳۸۲ ش: ۲۳). علم در کاربرد عام آن نیز به معنای دانستن، شناخت، ادراک (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷ ش: ۲۹/۳۵؛ معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۰ ش: ۲/۲۳۴۳)، یافتن حقیقت چیزی (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶ ق: ۵۸۰)، و حضور و احاطه بر شیء (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴۰۲ ق: ۲۰۶/۸) است. این واژه در زبان انگلیسی معادل واژه «knowledge» [به معنای مطلق دانایی و شناخت] و «science» [علم تجربی] (خداپرستی، فرهنگ معارف (انگلیسی - فارسی)، ۱۳۸۵ ش: ۵۱۴) است.

تعدد گونه‌های تفسیر علمی باعث شده است که تعاریف مختلفی از این روش تفسیری ارائه شود و به تبع، دیدگاه‌ها گوناگونی درباره آن اتخاذ شود (ر.ک: ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶ ق: ۵۱۹/۲؛ الخولی، مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب، ۱۹۶۱ م: ۲۸۷؛ محتسب، اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن، ۱۴۰۲ ق: ۲۴۷؛ ابوحجر، التفسیر العلمی للقران فی المیزان، ۱۴۱۱ ق: ۶۶؛ معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ۱۳۷۸ ش: ۲/۴۴۳؛ رضایی اصفهانی، تعامل قرآن و علوم، ۱۳۹۲ ش: ۶۲)، مراد این پژوهش از تفسیر علمی به کارگیری یافته‌هایی به عنوان منبعی برای فهم بهتر آیات قرآن است.

ج: مبانی

مبانی جمع کلمه مبنا و از ریشه «بنی» و به معنای پایه و بنیاد و زیرساخت است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۰ ق: ۱/۳۰۱). این واژه در زبان فارسی نیز با همین معنا کاربرد دارد (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷ ش: ۲۳/۲۳۴)، و در زبان انگلیسی با واژگانی همچون base و نیز foundation از آن تعبیر می‌شود. بنا در حقیقت ضمیمه‌سازی اجزاء و عناصر خاص به یکدیگر، با هدف ایجاد ساختار مادی یا معنوی جدیدی است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴۰۲ ق: ۱/۳۲۶). مبانی تفسیر قرآن آن دسته از پیش فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی هستند که مفسر با پذیرش و پایه قراردادن آن‌ها، به تفسیر قرآن می‌پردازد (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۹: ۴۰) مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی و غایت‌شناسی شش گونه مبانی‌ای هستند که در دانش‌های بشری از آن نام برده می‌شود.

مبانی تفسیر علمی از منظر مستشرقان

شناخت مبانی از آن رو ضرورت دارد که نقش مهمی در شناخت وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب و جایگاه مهمی در مدیریت بر تحولات دارد (حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ۱۳۸۶ ش: ۶۵). بخشی از قضاوت‌ها درباره روش‌های تفسیری نیز بر اساس مبانی مورداعتقاد مجربان آن روش تفسیری صورت می‌گیرد؛ زیرا این مبانی هستند که اصول، قواعد و روش‌ها را تعیین می‌کنند. تحلیل مبانی تفسیر علمی از نگاه مستشرقان، می‌تواند رویکرد آنان به این روش تفسیری را آشکارتر سازد و قضاوت درباره آرای تفسیری و موضع‌گیره‌های آنان را به واقع نزدیک‌تر کند. از سوی دیگر می‌تواند برای پژوهشگر مسلمان، آشنایی با رویکردهای برون‌دینی به این روش تفسیری را نیز به دنبال داشته باشد.

۱. وجود مباحث علمی در قرآن

از جمله اساسی‌ترین مبانی تفسیر علمی پذیرش، وجود علوم در قرآن و اهتمام این کتاب آسمانی به موضوعات و مسایل مرتبط با زندگی این دنیای بشر است.

در دوران معاصر به‌رغم تبلیغات وسیع ضدقرآنی در دنیای غرب، هر روزه به تعداد کسانی که با تحقیق درباره قرآن، به دین اسلام می‌گروند، افزوده می‌شود. مطالعه منصفانه بسیاری از این دانشمندان که برخی صاحب‌نظر در دانش‌های بشری هستند، آنان را به این نتیجه رهنمون شده است که قرآن کریم منبعی سرشار از معارف علمی است و می‌تواند رهنمای بشر در انتخاب سبک زندگی و تضمین‌کننده سعادت دنیوی او باشد. گوستاو لوبون مستشرق تاریخ‌دانی است که اسلام را در قبال اکتشافات علمی از هر دینی مناسب‌تر و ملایم‌تر معرفی می‌کند (لوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۳۷۸ ش: ۱۴۳).

پروفسور احمد دلال در مدخل «علم و قرآن» دایره‌المعارف قرآن لیدن، با اشاره به اینکه آثار تفسیری متقدم مشتمل بر مطالب علمی فراوانی است می‌نویسد: «امروزه به‌رغم اهمیتی که نسبت به قرآن و علم در جهان معاصر قایل هستند، هنوز این جنبه تفسیری، توجه عالمانه چندانی را جذب نکرده است. به‌طورکلی، می‌توان گفت یک دلیل ممکن برای این بی‌توجهی این است که این مطالب قدیمی به آن حد نرسیده که بتوان به‌طور منطقی آنها را تفسیر علمی قرآن نامید.» (Ahmad Dallal, Scirnce and

(the Quran. In Encyclopedia of the Quran, 2003. V:4, pp 440

پروفسور هانری کربن، فیلسوف و مستشرق معاصر فرانسوی نیز بر حقانیت قرآن این‌گونه استدلال می‌کند: «اگر اندیشه‌های محمد خرافی بود یا اگر او پیامبر خدا نبود، هیچ‌گاه جرأت نمی‌کرد حرفی از علم به میان آورد و بشر را به علم دعوت کند.» (وجدانی، نظریات دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد ﷺ، ۱۳۶۲ ش: ۳۵؛ علیقلی، قرآن از دیدگاه یکصد و چهارده دانشمند جهان، ۱۳۷۵ ش: ۵۳).



این مستشرقان با اذعان نظر همنوا با معتقدان به روش تفسیر علمی، به علمی و عالمانه بودن قرآن کریم اذعان کرده‌اند.

۲. ابتدای احکام قرآنی بر مصالح و مفاصد واقعی

برخلاف دیدگاه اشاعره (مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ۱۴۲۲ ق. ج ۳۹۰/۱؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ۱۴۰۹ ق: ۳۰۲/۴)، وجود فلسفه احکام و تابعیت احکام از مصالح و مفاصد واقعی و عینی، در بیشتر احکام شریعت امری پذیرفته شده از سوی بیشتر دانشمندان مسلمان و برخی از مستشرقان است.

امام رضا علیه السلام ابتدای دستورات الهی بر واقعیات را این‌گونه بیان می‌کند: «همانا، چنین یافتیم که هر آنچه را که خدای تبارک و تعالی حلال فرموده، صلاح و بقای بندگان در آن بوده است و به آن احتیاج دارند و بی‌نیاز از آن نیستند و در آنچه حرام کرده است، نیازی برای بندگان به آن نیافتیم؛ بلکه مایه فساد است که ایشان را به سوی نابودی و هلاکت سوق می‌دهد.» (صدوق، علل الشرایع، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۶/۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق: ۵۱/۲۵).

در بخشی از مطالعات قرآن و علوم بر اساس این مبنا تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از یافته‌های بشری، چرایی برخی از امر و نواهی الهی پاسخ داده شود. مثلاً حرمت برخی از خوراکی‌ها با توجه به ضررهای جسمی آنها بیان شود و یا با تکیه بر برخی تفاوت‌های فیزیولوژیکی یا روانی زن و مرد، تفاوت برخی تفاوت‌های حقوقی و تکلیفی آنان تبیین شود و نیز با توجه به برخی واقعیات اجتماعی، به شایستگی و بایستگی احکام اجتماعی قرآن کریم اثبات شود.

البته دریافت حکمت و مصلحت احکام امری پیچیده است. بسیاری از بزرگان نیز معتقدند که انسان‌های عادی را به فهم ملاکات احکام راهی نیست و به دست آوردن حتی بخشی از علّت و فلسفه احکام، احاطه به منابع و بصیرت نسبت به روح شریعت و چهارچوب قانونگذاری شارع را می‌طلبد. از آنجاکه این بصیرت در اختیار معصومان علیهم السلام قرار داشته، ایشان به بیان فلسفه برخی از احکام پرداخته و نویسندگانی همچون شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع خود را متکفل نقل آن روایات کرده‌اند.

فلیپ فونداسی از جمله مستشرقانی است که اصل وجود فلسفه احکام را پذیرفته، ولی در برخی موارد در تطبیق آن به خطا رفته است. وی در کتاب «دراسة عن الإسلام فی أفريقية السوداء» فلسفه زکات را پاک‌شدن اموال می‌داند و می‌نویسد: «اموال مادّی در نظر اسلام از اصل شیطانی و نجس است و استفاده از این اموال بشرطی بر مسلمان جایز است که آن را با برگرداندن اموال به خدا پاک کنند.» (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، ۱۹۹۲ م: ۸۳/۱).



در این مجال به دنبال پاسخ به برداشت نادرست نیستیم؛ ولی به اختصار باید گفت که بررسی متون دینی ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که اسلام نسبت به اموال مادی چنین دیدگاهی ندارد و علاوه بر مصالح معنوی، منافع مادی پرداخت زکات و انفاق هم، همان‌گونه که در روایات با تعبیری همچون «از بین رفتن فقر» (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۱ ق: ۷/۲؛ کلینی، الکافی، ۱۳۶۱ ش: ۳/۴۹۷) و حفظ شدن اموال ثروتمندان (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق: ۴/۶ و ۵) بدان تصریح شده، آشکار است.

۳. نفی تعارض قرآن و علم

وجود برخی تعارضات ظاهری قرآن و علم، گروهی را بر آن داشت که بدون تفحص از راهکارهای حل این تعارض، آن را واقعی پنداشته و از تنافی قرآن و علم دم بزنند. برخی قرآن‌باوران از این دسته، در مقام دفاع از قرآن به انکار و مخالفت با یافته‌های علمی (الحمید، الفرقان فی بیان اعجاز القرآن، ۱۴۲۳ ق: ۲۳۲)؛ و برخی دیگر به جداانگاری قرآن و علم در اهداف، قلمرو (باربور، قرآن و علم، ۱۳۶۲: ۱۴۳)، زبان (پترسون، عقل و اعتقاد دینی، ۱۳۷۷ ش: ۳۶؛ باربور، قرآن و علم، ۱۳۶۲ ش: ۱۴۷)، پناه بردند تا بتوانند از قداست و مقبولیت این کتاب آسمانی دفاع کنند. گروهی نیز با طرح مسئله تأثیرپذیری قرآن از علم ظاهری یا فرهنگ زمان نزول (سروش، بسط تجربه نبوی، ۱۳۷۹ ش: ۵۵؛ فراستخواه، دین در چالش میان اعتقاد و انتقاد، ۱۳۷۴ ش: ۳۰)، تلاش در حل این معضل موهوم داشتند.

روشن است اینکه با نفی هرگونه تعارض واقعی بین قرآن و علم، دیگر جایی برای طرح این راهکارها باقی نمی‌ماند و زمینه برای تفسیری علمی و ضابطه‌مند از قرآن کریم فراهم می‌شود: البته اینکه محققان بی‌طرف غربی، در مقایسه کتاب‌های آسمانی و علم، به این نتیجه رسیده‌اند که قرآن کریم بیشترین هماهنگی را با یافته‌های بشری دارد.

موریس بوکای نمونه‌ای از این پژوهشگران است که مطالعاتش را بدون سوگیری آغاز و دنبال کرده و به اقرار خود، به این مبنای تفسیر علمی، یعنی نفی هرگونه تعارض بین قرآن و علم پی برده است. بوکای می‌نویسد: «من بدون هیچ‌گونه پیشداوری و با واقع‌بینی تام، بررسی وحی قرآنی را برای جستجوی درجه سازگاری آن با داده‌های دانش نوین آغاز کردم... و در پایان برایم روشن شد که قرآن هیچ مطلبی که از نظر علمی عصر جدید انتقادپذیر باشد ندارد» (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۴: ۱۰).



دکتر جان لی سیمپسون (Jan Leigh Simpson) رئیس بخش جراحی زنان در کالج طب بیلور هوستون آمریکا، نیز به این مبنای تفسیر علمی این‌گونه تصریح می‌کند: «این مطالب نمی‌تواند از علوم و دانش عصر محمد ﷺ گرفته شده باشد و بیانات ایشان می‌رساند که نه تنها ژنتیک و دین اسلام، با هم ناسازگاری نداشته؛ بلکه در حقیقت دین (اسلام) می‌تواند با افزودن تعالیم وحی به بعضی از شیوه‌های سنتی، علم را هدایت کند... که قرن‌ها بعد، حقانیت آن به اثبات رسیده که هم مؤید علم است و هم سندیت قرآن را تحکیم می‌کند.» (WWW.IT_IS_TRUTH.ORG)

آنچه ممکن است منشأ وجود محتوای قرآنی متعارض با واقعیات و یافته‌های قطعی بشری شود، جهل، عجز و یا نیاز است و ساحت قدسی خداوند متعال از آنها منزّه است؛ زیرا علم، حکمت و قدرت الهی این‌گونه اقتضا می‌کند که هدایتش را بر پایه واقعیات‌ها استوار کند و از بنا نهادن آن بر خرافه، خلاف علم و جهل دوری کند.

۴. قابل آزمون تجربی بودن معارف علمی قرآن

اگرچه نباید تنها معیار معناداری و حقانیت گزاره‌ها را قابلیت اثبات تجربی و حسی آن دانست؛ ولی اثبات امکان آزمون تجربی برخی گزاره‌های دینی، زمینه را برای تحقیقات میان‌رشته‌ای و تفسیر علمی هموار می‌کند. این مسئله به‌طور ویژه باعث گسترش مطالعات میدانی قرآن و علم و طراحی برخی طرح‌ها و پروژه‌های مطالعاتی در این حوزه شده است که نتایج آن هم در فهم بهتر آیات علمی قرآن کارایی داشته و هم توانسته است در جهت‌دهی و رشد دانش‌های بشری تأثیرگذار باشد.

پرفسور هانری کربن، اسلام‌شناس معاصر فرانسوی و متخصص در فلسفه اشراق اسلامی معتقد است: «اگر اندیشه پیغمبر اسلام خرافی بود و اگر قرآن وحی الهی نبود، وی هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به دانش دعوت کند، هیچ بشری و هیچ طرز فکری به اندازه پیامبر اسلام و قرآن، مردم را به دانش دعوت نکرده است. تا آنجاکه در قرآن حکیم، نهصد و پنجاه بار، از دانش و عقل و اندیشه، سخن به میان آمده است.» (صفا، دین پنجگام، ۱۳۵۰: ۵۱).

علاوه بر طرح نظری این بحث، برخی از مستشرقان با فعالیت‌های میدانی و آزمایشگاهی کوشیده‌اند تا میزان هماهنگی معارف علمی قرآن با یافته‌های بشری بسنجند. نمونه این پژوهش‌ها را می‌توان در کوشش‌های علمی موريس بوکای برای نشان دادن صدق گزاره‌های باستان‌شناسانه قرآن درباره جسد فرعون (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۴ ش: ۲۷۲)، و نیز تحقیقات آزمایشگاهی کیت مور و پرساود برای نشان دادن انطباق قرآن و علم در بیان مراحل رشد جنین مشاهده کرد (کیت مور، ۱۳۸۳ ش: مقدمه). نتایج این‌گونه مطالعات پاسخی است به کسانی

(مک کواری، تفکر دینی در قرن بیستم، ۱۳۷۸/۴۶۲؛ A.J Ayer, Truth and Logic, 1977, p114؛ Flew, 1971, p13)؛ Abenethy, Philosophy of Religion, 1962, p340 که با تعمیم نابجا و با استناد به غیرقابل آزمون حسی بودن برخی گزاره‌های دینی، مجموعه معارف دینی و ماورایی را فاقد معنا و غیر معرفت بخش می‌دانند.

۵. لزوم استخدام علم برای فهم بهتر قرآن

گونگونی و تنوع دیدگاه‌ها درباره منابعی تفسیری، تعدد روش‌های تفسیری را به دنبال داشته است؛ هرچند ذوق و تخصص مفسران در پیدایش بخشی از اختلاف روش‌ها و یا ایجاد گرایش‌های جدید، بی‌تأثیر نبوده است.

علوم تجربی از جمله مواردی است که حجیت منبعیت آن در تفسیر قرآن مورد گفتگو بوده است. معتقدان به مفسران علمی بر اساس شواهد و دلایلی، حجیت این منبع را به‌عنوان یکی از مبانی خویش پذیرفته‌اند. بوکای بر این باور است که باید بپذیریم برای فهم آیات قرآنی، تنها معلومات عمیق زبان‌شناسی کافی نیست؛ بلکه علاوه بر آن باید واجد اطلاعات علمی بسیار متنوع نیز بود. چنین بررسی‌ای، با چند دانش مرتبط است که خود دایره‌المعارفی خواهد بود (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۴ ش: ۵۳).

آنچه این مستشرق به آن تصریح می‌کند همان مطلبی است که مفسران علمی به‌عنوان لزوم بهره‌گیری از روش‌های جدید تفسیری برای درک دقیقتر مراد الهی بر آن تأکید می‌ورزند.

۶. لزوم بهره‌گیری از آموزه‌های علمی قرآن

توجه و بهره‌گیری مسلمانان از معارف قرآن کریم در ساحت‌های گوناگون زندگی، مرهون تشویق و ترغیب دانشمندان و صاحب‌نظران به استفاده از این کتاب آسمانی است، به‌ویژه اگر این توصیه از سوی دانشمندی بی‌غرض صورت گیرد. هستند مستشرقانی که پس از سال‌ها مطالعه در معارف اسلامی، مسلمانان را به پیروی از دستورات قرآنی در سراسر زندگی‌شان سفارش می‌کنند. ولف بایرون (Wolf Byron) متفکر و نویسنده انگلیسی که پژوهش‌های فراوانی درباره اسلام و زندگی پیامبر اکرم ﷺ داشته و مقالات ارزشمندی به تحریر درآورده است، می‌نویسد: «هر قدر بیشتر با اسلام و زندگی اسلامی آشنا می‌شوم، از قواعد بهداشتی که محمد ﷺ برای مسلمانان وضع کرده، بیشتر در شگفت می‌شوم و تأسف می‌خورم از اینکه بیشتر مسلمانان چرا از تمام این تعلیمات پیروی نمی‌کنند.» (عبداللہی خوروش، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، ۱۳۶۲ ش: ۱۶۱/۱).



بر اساس مبنای پیشگفته، مفسر باید به استنباط معارف علمی از قرآن اهتمام ورزد و از آن برای برنامه‌ریزی سبک زندگی فردی و اجتماعی خود در ساحت‌های سیاست، مدیریت، حقوق، بهداشت و ساحت‌های دیگر زندگی بهره‌برد.

۷. نقش آفرینی قرآن در پیشرفت علمی

پیشرفت‌های علمی همواره مرهون تلاش‌های دانشمندان و پژوهش‌های اندیشه‌ورزان بوده است. این فعالیت‌ها مایه‌گرفته و ملهم از عقل، تجربه و نیز منابع وحیانی است. نقش انکارنشدنی متون وحیانی در تمدن بشری انسان پررنگ است که حتی برخی معاندان و دین‌گریزان را نیز به اعتراف در این زمینه واداشته است. پذیرش نقش قرآن کریم در تمدن‌سازی، باعث می‌شود مفسر به دنبال بهره‌وری بیشتر از این کتاب مقدس در مسیر تعالی تمدن بشری باشد. این ایفاگری نقش در جهت‌دهی قرآن کریم به مبانی، اهداف، روش‌های علمی که شالوده تمدن را تشکیل می‌دهند، جلوه‌گر می‌شود.

الف: اعتراف به نقش قرآن در پیشرفت علمی مسلمانان و تمدن اسلامی

به اذعان دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان، معارف دینی و به‌طور خاص قرآنی، عامل بسیار مهمی در تشکیل و رشد تمدن اسلامی بوده است؛ تمدنی که قرن‌ها سیطره خود را بر جهان اعمال می‌کرد و امروزه نیز از آن به‌عنوان تمدنی باشکوه یاد می‌شود. جرج سارتون در کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ علم» عقیده دارد که برای درک کامل فعالیت مسلمانان در رشته‌های علمی باید به نقش محوری قرآن برای آنها توجه کرد. او می‌نویسد: «من بار دیگر می‌پرسم که چگونه می‌توان به شناخت درستی از دانش مسلمانان دست یافت؛ اگر تمرکز آن حول قرآن را کاملاً درک نکنیم؟» (Sarton, Introduction to the History of Science, 1953, Vol. 1. p.5).

ویل دورانت ((William James Durant تاریخ‌دان مشهور آمریکایی که داوری‌های مغرضانه و سوگیرانه‌اش درباره اسلام، در مکتوباتش مشهود است و قرآن را متنی غیروحیانی می‌داند، در بخشی از کتاب خود این‌گونه به عظمت قرآن کریم اعتراف می‌کند: «قرآن اخلاق مسلمانان را فرم داده و قریحه و ذوق صدها میلیون نفر را جلا داده است. قرآن در جان‌های ساده، عقایدی آسان و دور از ابهام پدید می‌آورد که از رسوم و تشریفات ناروا و از قید مراسم بت‌پرستی و کاهنی آزاد است. ترقی اخلاق و فرهنگ مسلمانان به برکت قرآن انجام گرفته و حتی این کتاب اصول نظم اجتماعی و وحدت جمعی را در میان آنان استوار ساخته و به پیروی از مقررات بهداشت ترغیبشان کرده و عقول آنها را از بسیاری اوهام، خرافات و از ظلم و خشونت رهانی داده است.» (دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۳۷ ش: ۲۳۶/۴).

نقش آفرینی قرآن کریم در علوم و تمدن اسلامی در نوشته‌های هر توپیک هیرشفلد (H.Hirschfeld) که قرآن را سرچشمه علوم دانسته، چنین منعکس شده است: «از اینکه قرآن را سرچشمه علوم می‌یابیم، نباید تعجب کنیم، تمام موضوعاتی که مربوط به آسمان‌ها، زمین، زندگی و انسان است در مرتبه‌ای عالی قرار گرفته است... بدین طریق قرآن عهده‌دار بحث‌های بزرگی است و توسعه شگفت‌انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم، غیرمستقیم مدیون آن است.» (علیقلی، قرآن از دیدگاه یکصد و چهارده دانشمند جهان، ۱۳۷۵ ش: ۷۴).

آنچه امروزه به‌عنوان احیای تمدن اسلامی از آن یاد می‌شود، امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه زمینه‌ها و عواملی که باعث ایجاد تمدن اسلامی در گذشته شده بودند، دوباره احیا و زنده گردند که بهره‌گیری از معارف و علوم بلند قرآنی از مهمترین آنهاست. ارائه تفسیری علمی و استنباط نظامات علمی از قرآن کریم است که می‌تواند زمینه را برای تشکیل تمدن نوین اسلامی فراهم سازد.

ب. اعتراف به نقش قرآن در پیشرفت علمی گذشته جهان غرب

نقش آفرینی قرآن در تمدن سازی به تمدن اسلامی منحصر نمی‌شود؛ بلکه به اذعان خاورشناسان، قرآن کریم در تأسیس تمدن غربی نیز نقشی انکارناپذیر داشته است. فرید ریش دیترسی (Friedrich Dieterici, ۱۸۲۱ - ۱۹۰۳) خاورشناس مشهور آلمانی این نقش را این‌گونه بازگو می‌کند: «علوم طبیعی، ریاضی، فلسفه، ستاره‌شناسی که در قرن دهم، اروپا را جلو برد، سرچشمه تمام آنها قرآن محمد ﷺ است و اروپا به آئین محمد ﷺ بدهکار است.» (نیک‌بین، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، بی تا: ۵۱؛ مردانی، اعتراف دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲ ق: ۶۱).

رود ویل، نویسنده انگلیسی نیز اروپا را مدیون قرآن می‌داند؛ چراکه به اعتقاد او، این قرآن بود که آفتاب علم را در اروپا طلوع داد. «عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۸۷ ش: ۱۰۰). لپیری، دانشمند فرانسوی نیز بر این باور است که اگر اسلام (قرآن) و مسلمین در تاریخ پیدا نمی‌شدند، حیات علمی اروپا تا چند قرن عقب می‌افتاد (شوقی، اسلام در زندان اتهام، ۱۳۸۵ ش: ۶۳۹).

رنبورت (Renbort)، نیز در تعبیری تأمل‌برانگیز اروپا را شهری از اسلام معرفی می‌کند و دلیل این ادعا را نقش قرآن کریم در رواج و گسترش علوم طبیعی، فلکی، فلسفه و ریاضیات در اروپا می‌داند (مردانی، اعتراف دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲ ق: ۴۷). مطالعات تاریخ علم نیز این اعتقاد و اعتراف پیشگفته را به روشنی تأیید می‌کند. مجموعه آثار منتشرشده در کنگره بین‌المللی «نقش شیعه در گسترش علوم» آکنده از شواهدی بر این مدعا است.



۸. پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر و آینده

انسان معاصر به این نتیجه رسیده است که نمی‌تواند بدون توجه به ماوراء، حیات دنیوی خویش را به‌درستی سامان دهد. او دریافته است که بسیاری از سوالات او درباره چپستی و چگونگی زندگی این دنیایی، بدون کمک‌گرفتن از دین و مذهب بی‌پاسخ خواهد ماند. متون و حیانی که مصون از خطا و تحریف مانده باشند، بهترین منبع برای پاسخگویی به سوالات و نیازهای پیش‌گفته است؛ مسائلی که در آینده به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

گوته، فیلسوف آلمانی این مسئله را این‌گونه بازگو می‌کند: «سالیان درازی کشیشان از خدا بی‌خبر، ما را از پی‌بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن دور نگه داشته‌اند؛ اما هر قدم که ما در جاده علم و دانش گذاریم، پرده جهل و تعصب نابجا را دریده‌ایم و به‌زودی این کتاب توصیف‌ناپذیر، عالم را به خود جلب نموده و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان گذاشته و در نهایت محور افکار مردم جهان می‌گردد.» (امین، راه تکامل، بی تا: ۶۲؛ علیقلی، قرآن از دیدگاه یک‌صد و چهارده دانشمند جهان، ۱۳۷۵ ش: ۴۹؛ عطایی اصفهانی، اعترافات خدمات اسلام به اروپا، ۱۳۸۴ ش: ۷۵).

دکتر بنواست، محقق فرانسوی که پس از فعالیت‌های قرآن‌پژوهی، به دین اسلام گروید، با تصریح به هماهنگی قرآن کریم با آخرین اکتشافات علمی، می‌نویسد: «این موضوع من را قانع ساخت و موجب آن شد که به یگانگی خداوند ایمان آورده، به نبوت حضرت محمد ﷺ و حقیقت اسلام اقرار کنم... اسلام هیچ چیزی را درباره زندگی مادی بشر، فروگذار نکرده است و به نظر من یگانه دینی است که با طبیعت بشر سازگار است.» (عبداللهی خوروش، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، ۱۳۶۲ ش: ۱۶/۱).

بدیهی است بخش زیادی از چالش‌های انسان معاصر و آینده با نشستن بر سر مأدبه قرآن کریم قابل‌رفع و بسیاری از نیازهای واقعی او با بهره‌گیری از این خوان گسترده الهی قابل برآورده شدن است. این مهم نیز بدون رویکردی علمی به قرآن کریم قابل دستیابی نیست.

۹. پذیرش اعجاز علمی قرآن

اعجازهای علمی قرآن آن دسته از آیات را شامل می‌شوند که مسایل علمی ای را مطرح کرده که در عصر نزول برای هیچ‌کس آشکار و شناخته شده نبود و دانش نجوم پس از سال‌ها و قرن‌ها توانسته است صحت آنرا به اثبات برساند (مسترحمی، اعجاز نجومی قرآن، ۱۳۸۹ ش: ۹۶)، نمونه‌هایی از

این نوع آیات علمی را می‌توان درباره حرکت‌های خورشید (از جمله: رعد/ ۲؛ فاطر/ ۱۳؛ زمر/ ۵؛ لقمان/ ۲۹) و گسترش جهان (ذاریات/ ۴۷) مشاهده کرد. اعجاز علمی قرآن پیوند مستقیمی با تفسیر علمی و مطالعات بینارشته‌ای دارد؛ زیرا لازمه اعتقاد به اعجاز علمی، باور به وجود محتوای علمی در قرآن است.

فطرت انسان حق‌گراست و اگر با هوا و هوس و امیال پست دنیوی آلوده نشود، انسان را به کشف حقیقت و پیروی از آن تشویق و تهییج می‌کند. چه بسیارند دانشمندانی که با پیگیری تفسیر علمی و درک و پذیرش اعجاز علمی قرآن، آیین نسخ‌شده قبلی خویش را رها کرده و به حقانیت اسلامی اذعان کرده‌اند (معدی، مشاهیر العالم الذین اسلموا، ۲۰۰۶: ۸۶؛ زمانی و همکاران، مستشرقان هدایت‌یافته، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

دکتر گرینه (H. Grinne، ۱۹۴۲-۱۸۶۴)، عضو اسبق مجلس نمایندگان فرانسه، در باره مسلمان شدن خود به سبب تدبّر در آیات علمی قرآن، می‌نویسد: «تمام آیات قرآنی مربوط به علوم طبیعی و بهداشتی و پزشکی را که من خود از کودکی با آن‌ها سروکار داشتم، خواندم و مورد تتبع و بررسی قرار دادم و در پایان دیدم که تمام آن آیات با معارف جدید ما هماهنگی دارد و لذا مسلمان شدم؛ زیرا من یقین پیدا کردم که محمد ﷺ بیش از هزار سال قبل، بدون آنکه معلّم و یا استادی از بشر داشته باشد، دین حق و حقیقت را آورده است.» (امین، راه تکامل، بی تا: ۶۲؛ علیقلی، قرآن از دیدگاه یکصد و چهارده دانشمند جهان، ۱۳۷۵ ش: ۴۹؛ عطایی اصفهانی، اعترافات خدمات اسلام به اروپا، ۱۳۸۴ ش: ۸۲).

مارسل بوآزار، خاورشناس فرانسوی، در کتاب «اسلام و جهان امروز» نیز بر این مسئله این‌گونه تأکید می‌کند: «جوهر و ذات قرآن نزدیک به علم است... و از گذشته نزدیکی نیز از جهت علمی به معنای خاص کلمه، مورد تحلیل قرار گرفته است و کشفیات حاصله به نظر استثنایی می‌رسد. و این از «معجزات عظیم قرآن» پرده برمی‌دارد. قرآن کریم سرشار از داده‌ها و اطلاعاتی است که فهم و صحت آن ممکن نگشته است، مگر به کشفیات معاصر: ژنتیک، نجوم، فیزیک، زیست‌شناسی، پزشکی، کیهان‌شناسی و...» (بوآزار، اسلام و جهان امروز، ۱۳۶۹ ش: ۱۵۶).

دکتر واگلیری، استاد دانشگاه ناپل نیز به اعجاز و عدم امکان هموردی و مشابه‌سازی قرآن تصریح می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «ما در این کتاب مخزن‌ها و ذخائری از دانش می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین اشخاص و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست است.» (واگلیری، پیشرفت سریع اسلام، ۱۳۶۰ ش: ۴۹).



از نکات قابل‌اعتنایی که موردتوجه موریس بوکای (aurice Bucaille) که مدت‌ها به مقایسه مباحث قرآنی با عهدین و علم پرداخته، قرار گرفته و بسیار بر آن تأکید دارد، علاوه بر تنوع مطالب و گستردگی موضوعات قرآنی، خالی بودن قرآن از هرگونه اشتباه علمی است، به عبارت دیگر نه تنها توافقی مطالب یادشده با دانش پیشرفته بشری به خودی خود شگفت‌آور است؛ بلکه گستردگی دامنه آنها بر این شگفتی می‌افزاید و با در نظر گرفتن شرایط علمی و اجتماعی مؤلف قرآن همراه با مصونیت او از کمترین اشتباه، احتمال بشری بودن کتاب او به صفر می‌رسد (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۴ ش: ۱۷۲).

آنچه بیان شد تنها نمونه‌هایی از ادعان مستشرقان به اعجاز علمی قرآن است و موارد فراوانی از آن در آثار مستشرقان ثبت شده است.

نتیجه

بررسی دیدگاه‌های تفسیری و علوم قرآنی مستشرقان نشان می‌دهد که دورویکرد مختلف درباره تفسیر علمی در بین آنان رایج است. دسته‌ای وجود مباحث علمی در قرآن را انکار و گروهی به وجود این معارف در قرآن اذعان کرده‌اند.

این اظهارنظرها بر پایه مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که تحلیل آن می‌تواند زمینه را برای داوری منصفانه درباره آن دیدگاه‌ها فراهم کند. پژوهش حاضر در بررسی مبانی تفسیر علمی از دیدگاه مستشرقان مثبت‌نگر به این نتیجه رسیده است که آنان، به وجود مباحث علمی در قرآن اعتراف دارند.

اعتقاد به ابتنای احکام قرآنی و اوامر و نواهی الهی بر مصالح و مفاسد واقعی از مهم‌ترین مبانی تفسیر علمی است که در کلام مکتوبات برخی از مستشرقان قابل‌پیگیری و مشاهده است. ایشان معتقدند راهکارهای متعددی برای حل تعارضات ظاهری قرآن و علم وجود دارد. برخی از آنان کوشیده‌اند تا قابل‌آزمون تجربی بودن معارف علمی قرآن را به‌وسیله کاوش‌های آزمایشگاهی، رصدی یا باستان‌شناسی نشان دهند و در این مسیر به معارفی از قرآن دست‌یازیده‌اند که علم بشری آن را تأیید می‌کند و یا هنوز درباره آن نقیاً و اثباتاً سخنی نگفته است که از نوع اول با عنوان اعجاز علمی از نوع دوم با نظریه‌پردازی علمی قرآن تعبیر می‌شود.

برخی از مستشرقان که مطالعات تاریخی درباره تمدن گذشته اسلامی داشته‌اند، به نقش معارف علمی قرآن در تمدن‌سازی اذعان کرده، حتی برخی از آنان معتقدند که نقش قرآن در تمدن امروزین غرب را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.



مستشرقان منصف قرآن را پاسخگو به نیاز علمی بشر، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی می‌دانند و بر لزوم بهره‌گیری از معارف علمی قرآن برای رفع نواقص و کاستی‌های تجربه بشری تأکید می‌ورزند. آنان معتقدند تفسیر علمی زمینه استنتاج، استخراج و استنباط معارفی را فراهم می‌کند که بتوان دانش بشری را بر آن مبتنی کرد. این روش همواره مورد توجه بسیاری از مستشرقان بوده و فعالیت‌های علمی و پژوهش‌های مبنامندی را به دنبال داشته است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه گروهی زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی، قم: دارالذکر، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دارالکتب اسلامیة، بیروت: الطبعة الثالثة، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت: الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابوحجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقران فی المیزان، دارقتیبه، دمشق: ۱۴۱۱ ق.
۵. اسکندرلو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۶. امین، احمد، راه تکامل، ترجمه: بهشتی، امامی و لاری، دارالکتب اسلامیة، قم: بی تا.
۷. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۸. بوآزار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ترجمه: مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۹ ش.
۹. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: ذبیح‌الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. پترسون، مایکل، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه: احمد نراقی، طرح نو، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۱۱. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، الشریف الرضی، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۳. حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۱۴. حمدی زقروق، محمود، الاستشراق والخلفیه الفکریه، دارالمنار، قاهره: ۱۴۰۹ ق.
۱۵. الحمید، عبدالکریم بن صالح، الفرقان فی بیان اعجاز القرآن، مکتبه ملک فهد، ریاض: ۱۴۲۳ ق.
۱۶. خداپرستی، فرج‌الله، فرهنگ معارف (انگلیسی - فارسی)، نشر فرهنگ معاصر، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۱۷. الخولی، امین، مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب، دارالمعرفه، بیروت: ۱۹۶۱ م.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۱۹. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام، نشر اقبال، تهران: ۱۳۳۷ ش.



۲۰. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۹۶ ق.
۲۱. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ذوی القربی، قم: چاپ پنجم، ۱۴۲۶ ق.
۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن ۱، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۲ ش.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، تعامل قرآن و علوم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۹۲ ش.
۲۴. رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، دارالطیبه، ریاض: ۱۹۹۲ م.
۲۵. زمانی، محمد حسن، شرق شناسی و اسلام شناسی غریبان، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۵ ش.
۲۶. زمانی، محمد حسن، غلامی، عبدالله؛ کاظمی، سید نسیم عباس، مستشرقان هدایت یافته، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۲۷. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، جامعه المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. شوقی، ابوخلیل، اسلام در زندان اتهام، ترجمه حسن اکبری مرزناک، بعثت، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، اعلمی، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، نشر مجید، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۳۳. صفا، مجذوب، دین پنجگام، نشر جوان، تهران: ۱۳۵۰ ش.
۳۴. عبداللهی خوروش، حسین، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، نشر مؤسسه مطبوعاتی مطهر، اصفهان: ۱۳۶۲ ش.
۳۵. عطایی اصفهانی، محمد علی، اعترافات خدمات اسلام به اروپا، کتابسرای مهدی، قم: ۱۳۸۴ ش.
۳۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، دفتر نشر نوید اسلام، قم: ۱۳۸۷ ق.
۳۷. عقیقی، نجیب، المستشرقون، دار المعارف، قاهره: چاپ چهارم، بی تا.
۳۸. علی الصغیر، محمد حسین، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، دارالمؤرخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۳۹. علیقلی، محمد مهدی، قرآن از دیدگاه یکصد و چهارده دانشمند جهان، سینا، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۴۰. فراستخواه، مقصود، دین در چالش میان اعتقاد و انتقاد، نشر نی، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۴۱. فؤاد، عبد المنعم، من افتراءات المستشرقین علی الأصول العقديیه فی الإسلام عرض ونقد، مکتبه العبیکان، السعودیه: ۱۴۲۲ ق.



۴۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۴۳. کیت. آل. مور، تی. وی. ان پرساود، جنین‌شناسی کاربردی انسان، ترجمه: علیرضا فاضل، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۳ ش.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دفتر نشر فرهنگ اهل‌البیت، قم: ۱۳۶۱ ش.
۴۵. گلشنی، مهدی، آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مترجم: بتول نجفی، تهران: ۱۳۸۷ ش.
۴۶. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، مترجم: محمدتقی فخرداعی گیلانی، افراسیاب، تهران: ۱۳۷۸ ش.
۴۷. محتسب، عبدالسلام عبدالمجید، اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن، النهضة الاسلامیه، اردن: ۱۴۰۲ ق.
۴۸. مردانی، خیرالله، اعتراف دانشمندان بزرگ جهان، آیین جعفری، تهران: ۱۴۰۲ ق.
۴۹. مسترحمی، سیدعیسی، اعجاز نجومی قرآن، مجله قرآن و علم، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۵۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمه و النشر، قم: ۱۴۰۲ ق.
۵۱. مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق لنهج الحق، آل‌البیت، قم: ۱۴۲۲ ق.
۵۲. معدی، حسینی‌الحسینی، من مشاهیر العالم الذین اسلموا، دمشق دار الکتب العربی، قاهره: ۲۰۰۶ م.
۵۳. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، الجامعه الاسلامیه للعلوم الاسلامیه، قم: ۱۳۷۸ ش.
۵۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران: چاپ هجدهم، ۱۳۸۰ ش.
۵۵. مک کواری، جان، تفکر دینی در قرن بیستم، ترجمه: بهزاد سالکی، امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۸ ش.
۵۶. موننگمیری وات، ویلیام، برخورد آراء مسلمان و مسیحیان، ترجمه: محمدحسین آریا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۵۷. نیک‌بین، نصرالله، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، نشر دفتر مذهبی، تهران: بی‌تا.
۵۸. والگیری، لرا والسیا، پیشرفت سریع اسلام، مترجم: غلامرضا سعیدی، درالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۰ ش.



۵۹. وجدانی، حسین، نظریات دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد ﷺ، عطایی، تهران: ۱۳۶۲ش.
۶۰. وزان، عدنان محمد عبدالعزیز، الاستشراق والمستشرقون وجهه نظر، دار ثقیف للنشر والتالیف، السعودیه: ۱۴۰۴ق.

61. Abenethy, G.L. and Thomas A.Langford (ed), Philosophy of Religion, The Macmillan company, 1962.
62. Ayer, A.J, Language, Truth and Logic, Dover Publication, 1977.
63. Dallal, Ahmad, Scirnce and the Quran. In Encyclopedia of the Quran,ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, 2003.
64. Flew, Antony, R.M. Hare, and Basil Mitchell, " Theology and Falsification", in Basil Mitchell (ed), The Philosophy of Religion, Oxford University press, 1971.
65. Sarton, George, Introduction to the History of Science, Baltimore. 1953.



Resources

- The Noble Quran*, Translated Under Supervision of Mohammad Ali Rezaei Esfahani, Qom: Dar al-Dhikr, 2nd Edition, 1384 SH (2005 CE).
1. Abdollahi Khurooshi, Hossein, *Farhang.e Eslamshenasan.e Khareji (Foreign Islamic Scholars' Dictionary)*, Publishing House of Motahhar Institute, Isfahan: 1362 SH (1983 CE).
 2. Abenethy, G.L. and Thomas A. Langford (ed), *Philosophy of Religion*, The Macmillan Company, 1962 CE.
 3. Abu Hajr, Ahmad 'Umar, *Tafsir al-'Ilmi li al-Quran fi al-Mizan (An Evaluation of the Scientific Interpretation of the Quran)*, Dar Qutaybah, Damascus: 1411 AH (1991 CE).
 4. Al-Hamid, Abdul Karim bin Saleh, *Al-Furqan fi Bayan I'jaz al-Quran (The Criterion in Explaining the Miracles of the Quran)*, Maktabah Malik Fahd, Riyadh: 1423 AH (2002 CE).
 5. Ali al-Saghir, Mohammad Hussein, *Al-Mustashriqun wa al-Dirasat al-Quraniyah (Orientalists and Quranic Studies)*, Dar al-Mu'arrikh al-Arabi, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
 6. Aliqoli, Mohammad Mehdi, *Quran az Didgah.e Yeksad.o Chahar Dah Daneshmand.e Jahan (Quran from the Perspective of 114 World Scholars)*, Sina, Tehran: 2nd Edition, 1375 SH (1996 CE).
 7. Al-Khuli, Amin, *Manahij al-Tajdid fi al-Nahw wa al-Balaghah wa al-Tafsir wa al-Adab (Methods of Renewal in Grammar, Rhetoric, Interpretation, and Literature)*, Dar al-Ma'arif, Beirut: 1961 CE.
 8. Amin, Ahmad, *Rah.e Takamol (The Path of Evolution)*, Translated by Behehsti, Imami and Lari, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Qom: n.d.
 9. Aqiqi Bakhashayeshi, Abdolrahim, *Tabaqat.e Mofassiran.e Shia (Categories of Shia Interpreters)*, Daftar.e Nashr.e Navid.e Islam, Qom: 1387 AH (1967 CE).
 10. Aqiqi, Najib, *Al-Mustashriqun (Orientalists)*, Dar al-Ma'arif, Cairo: 4th Edition, n.d.
 11. Ataie Esfahani, Mohammad Ali, *E'terafat.e Khedmat.e Eslam be Europe (Confessions of Islam's Services to Europe)*, Mahdi Book Depot, Qom: 1384



- SH (2005 CE).
12. Ayer, A.J, Language, *Truth and Logic*, Dover Publication, 1977 CE.
 13. Barbour, Ian, *Elm va Din (Science and Religion)*, Translated by Bahaoddin Khorramshahi, Nashr.e Daneshgahi, Tehran: 1362 SH (1983 CE).
 14. Bouazizi, Marcel, *Eslam va Jahan Emrooz (Islam and the World Today)*, Translated by Masoud Mohammadi, Daftar.e Nashr.e Farhang.e Eslami, Tehran: 1369 SH (1990 CE).
 15. Bucaille, Maurice, *Moqaysesi miyan Torah, Enjil, Quran va Elm (A Comparison between the Torah, the Gospel, the Quran, and Science)*, Translated by Zabihollah Dabir, Daftar.e Nashr.e Farhang.e Eslami, Tehran: 2nd Edition, 1985 CE (1364 SH).
 16. Dallal, Ahmad, *Science and the Quran. In Encyclopedia of the Quran*, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, 2003 CE.
 17. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghatnameh (Dictionary)*, University of Tehran Press, Tehran: 1377 SH (1998 CE).
 18. Durant, William James, *Tarikh-e Tamaddon (The Story of Civilization)*, Translated by Ahmad Aram, Nashr.e Eqbal, Tehran: 1337 SH (1958 CE).
 19. Eskandarlou, Mohammad Javad, *Mustashriqan va Tarikhgariye Quran (Orientalists and the Historiography of the Quran)*, Research Center for Exegesis and Quranic Sciences, Qom: 2nd Edition, 1387 SH (2008 CE).
 20. Farastakhah, Maqsud, *Din dar Chalish miyan E'teghad va Enteqad (Religion in the Challenge between Belief and Criticism)*, Nashr.e Ney, Tehran: 1374 SH (1995 CE).
 21. Firoozabadi, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Qamus al-Muhit (The Comprehensive Lexicon)*, Dar Ahya al-Turath al-'Arabi, Beirut: 1412 AH (1992 CE).
 22. Flew, Antony, R.M. Hare, and Basil Mitchell, "Theology and Falsification", in Basil Mitchell (ed), *The Philosophy of Religion*, Oxford University press, 1971 CE.
 23. Fuad, Abdel Moneim, *Min Aftara'at al-Mustashriqin 'ala al-Usul al-'Aqdiyah fi al-Islam 'Ard wa Naqd (From the Accusations of Orientalists against the Theological Principles in Islam, Presentation and Critique)*, Maktabat al-'Abikan, Saudi Arabia: 1422 AH (2001 CE).



24. Golshani, Mehdi, *Ayah 'Ilm Mitavanad Din Ra Nadidah Begirad (Can Science Ignore Religion)*, Research Center for Humanities and Cultural Studies, Translated by Batool Najafi, Tehran: 1387 SH (2008 CE).
25. Hamdi Zaqzouq, Mahmoud, *Al-Istishraq wa al-Khalafiyyah al-Fikriyyah (Orientalism and Intellectual Background)*, Dar al-Minar, Cairo: 1409 AH (1988 CE).
26. Hekmatnia, Mahmoud, *Mabani.e Malekiyat.e Fekri (Foundations of Intellectual Property)*, Islamic Culture and Thought Institute Publications, Tehran: 1386 SH (2007 CE).
27. Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan bin Ali, *Wasa'il al-Shi'a (Means of the Shia)*, Mu'assasah A'l al-Bayt 'Alayhim al-Salam, Qom: 1409 AH (1988 CE).
28. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Dar al-Kutub al-Islamiyah, Beirut: 3rd Edition, 1420 AH (1999 CE).
29. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Dar Sader, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH (1994 CE).
30. Keith L. Moore, T. V. N. Persaud, *Janinshenasi Karbordi Ensan (Human Embryology in Applied Perspective)*, Translated by Alireza Fazel, Mashad, University of Medical Sciences, 1383 SH (2004 CE).
31. Khodaparasti, Farajullah, *Farhang.e Ma'arif (English-Persian Dictionary of Islamic Sciences and Term)*, Nashr.e Farhang.e Mo'aser, Tehran: 1385 SH (2006 CE).
32. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient Source of Narrations)*, Daftar.e Nashr.e Farhang.e Ahl al-Bayt, Qom: 1361 SH (1982 CE).
33. Le Bon, Gustave, *Tamaddon.e Eslam va Arab (Islamic and Arab Civilization)*, Translated by Mohammad Taqi Fakhr Daei Gilani, Afrasiab, Tehran: 1378 SH (1999 CE).
34. Ma'arifat, Mohammad Hadi, *Al-Tafsir wa al-Mufasssirun fi Thawbih al-Qashib (Interpretation and Interpreters in A New Version)*, The International Center for Islamic Sciences, Qom: 1378 SH (1999 CE).



35. Mardani, Khairallah, *E'teraf-e Daneshmandan-e Bozorg-e Jahan (Confessions of Great Scholars of the World)*, Ayin-e Ja'fari, Tehran: 1402 AH (1982 CE).
36. McQuarrie, John, *Tafakkur-e Dini dar Qarn-e Bistom (Religious Thought in the Twentieth Century)*, Translated by Behzad Saleki, Amir Kabir, Tehran: 1378 SH (1999 CE).
37. Mo'addi, Hussein al-Husseini, *Min Mashahir al-'Alam al-Ladhina Aslamu (From the Famous Converts to Islam)*, Damascus: Dar al-Kutub al-Arabi, Cairo: 2006 CE.
38. Mo'in, Mohammad, *Farhang-e Farsi (Persian Dictionary)*, Amir Kabir, Tehran: 18th Edition, 1380 SH (2001 CE).
39. Montgomery Watt, William, *Barkhord-e Ara-ye Musliman va Masihian (Muslim and Christian Approaches)*, Translated by Mohammad Hossein Aria, Publications for the Islamic Culture Preaching, Tehran: 1373 SH (1994 CE).
40. Mostarhami, Seyyed Esi, *I'jaz-e Nujumi-ye Quran (Astrological Miracles of the Quran)*, Journal of Quran and Science, Year 4, No. 7, Autumn and Winter 1389 SH (2010 CE).
41. Mozaffar, Mohammad Hassan, *Dalail al-Sidq li Nahj al-Haqq (Proofs of the Truth in the Path of the Truth)*, A'l al-Bayt, Qom: 1422 AH (2001 CE).
42. Muhtasib, Abdulsalam Abdulmajid, *E'tejahat al-Tafsir fi al-Asr al-Rahin (Trends in Interpretation in the Modern Age)*, Al-Nahdah al-Islamiyyah, Jordan: 1402 AH (1982 CE).
43. Mustafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Markaz al-Kitab for Translation and Publication, Qom: 1402 AH (1982 CE).
44. Nikbin, Nasrullah, *Islam az Didgah-e Daneshmandan-e Gharb (Islam from the Perspective of Western Scholars)*, Religious Thought Preaching Center, Tehran: n.d.
45. Peterson, Michael, *'Aql va E'teghad-e Dini (Reason and Religious Belief)*, Translated by Ahmad Naraqi, Tarh-e Naw, Tehran: 1377 SH (1998 CE).
46. Raghیب Isfahani, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Zawiyah, Qom: 5th Edition, 1426 AH (2005 CE).



47. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Manteq-e Tafsir-e Quran 1 (Logic of Quranic Interpretation 1)*, International Center for Islamic Sciences, Qom: 1382 SH (2003 CE).
48. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Ta'amol-e Quran va 'Ulum (Interaction of the Quran and Sciences)*, Research Center for Exegesis and Quranic Sciences Press, Qom: 1392 SH (2013 CE).
49. Rizvan, 'Umar bin Ibrahim, *Ara' al-Mustashriqin hawl al-Quran al-Karim (The Opinions of Orientalists about the Noble Quran)*, Dar al-Tayyibah, Riyadh: 1413 AH (1992 CE).
50. Saduq, Mohammad bin Ali ibn Babawayh, *Ilal al-Shara'i' (Reasons for the Religious Laws)*, A'lami, Beirut: 1408 AH (1987 CE).
51. Saduq, Mohammad bin Ali ibn Babawayh, *Man La Yahduruhu al-Faqih (The One Who Does Not Have Any Access to A Jurist)*, Beirut: Dar al-Ta'aruf, 1411 AH (1991 CE).
52. Safa, Majzoub, *Din-e Panjgam (The Religion in Five Steps)*, Nashr-e Javan, Tehran: 1350 SH (1971 CE).
53. Safa, Zabihullah, *Tarikh-e 'Ulum-e 'Aqli dar Tamaddon-e Islami (History of Rational Sciences in Islamic Civilization)*, Nashr-e Majid, Tehran: 1384 SH (2005 CE).
54. Sarton, George, *Introduction to the History of Science*, Baltimore. 1953 CE.
55. Shaker, Mohammad Kazem, *Mabani va Ravesh-haye Tafsiri (Foundations and Methods of Interpretation)*, Al-Mustafa International University, Qom: 2nd Edition, 1389 SH (2010 CE).
56. Shawqi, Abu Khalil, *Eslam dar Zendan-e Ehtemam (Islam in the Prison of Accusation)*, Translated by Hassan Akbari Marzanak, Be'that, Tehran: 1385 SH (2006 CE).
57. Soroush, Abdolkarim, *Bast-e Tajrobe-ye Nabavi (Expanding the Prophetic Experience)*, Mo'asseseh Farhangi Serat, Tehran: 3rd Edition, 1379 SH (2000 CE).
58. Taftazani, Sa'd al-Din, *Sharh al-Maqasid (Commentary on Madasiq)*, Al-Sharif al-Radhi Press, Qom: 1409 AH (1989 CE).



59. Vajdani, Hussein, *Nazariyat.e Daneshmandan.e Jahan Darbareh Quran va Mohammad (PBUH) (Views of World Scholars on the Quran and Mohammad)*, Ataie, Tehran: 1362 SH (1983 CE).
60. Wal Jiri, Lora Wal.Siya, *Pishraft.e Sari'e Islam (Rapid Progress of Islam)*, Translated by Gholamreza Saeeadi, Dar al.Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1360 SH (1981 CE).
61. Wazan, Adnan Mohammad Abdulaziz, *Al.Istishraq wa al.Mustashriqun Wajah Nazar (Orientalism and Orientalists: Perspectives)*, Dar Thaqafah for Publication and Compliation, Saudi Arabia: 1404 AH (1984 CE).
62. Zahabi, Mohammad Husayn, *Al.Tafsir wa al.Mufasssirun (Interpretation and the Interpreters)*, Dar al.Kutub al.Hadithah, Beirut: 2nd Edition, 1396 AH (1976 CE).
63. Zamani, Mohammad Hassan, Gholami, Abdullah; Kazemi, Seyyed Nesim Abbas, *Mustashriqan.e Hedayatyafte (Enlightened Orientalists)*, Journal for Orientalists' Quran Studies, No. 16, Spring and Summer 1393 SH (2014 CE).
64. Zamani, Mohammad Hassan, *Sharqshenasi va Eslamshenasi.ye Gharbayan (Orientalism and Western Scholars' Islamic Studies)*, Bustan.e Ketab, Qom: 1385 SH (2006 CE).